

زردشتیان

باورها و آداب دینی آنها

(ویراست دوم)

مری بویس

ترجمهٔ عسکر بهرامی



با قدرشناسی، پیشکش به خاطره
هکتور مونرو چدویک
استاد ال‌رینگتن و باسورث مطالعات انگلوساکسن
دانشگاه کمبریج
(۱۹۱۲ - ۱۹۴۱)
مری بویس

بویس، مری، ۱۹۲۱
زردشتیان: باورها و آداب دینی آنها / مری بویس؛ ترجمه عسکر بهرامی. - تهران:
قفقوس، ۱۳۸۱.
ISBN: 964-311-329-9
۲۸۷ ص.
فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.
عنوان اصلی: *Zoroastrians, Their Religious Beliefs and Practices.*
کتابنامه: ص. [۲۶۲] - ۲۷۶.
۱. زردشتی - تاریخ. ۲. زردشتی - شمایر و مراسم مذهبی. ۳. زردشتیان - ایران - تاریخ.
الف. بهرامی، عسکر، ۱۳۴۶. - مترجم، ب. عنوان.
۲۹۵/۰۹ BL ۱۵۲۵/ب
کتابخانه ملی ایران
۸۰-۲۸۰۲۸

این کتاب ترجمه‌ای است از:

Zoroastrians

Their Religious Beliefs and Practices

Mary Boyce

Routledge & Kegan Paul

چاپ اول ۱۳۸۱

چاپ پنجم ۱۳۸۳

ویراست دوم ۱۳۸۴



انتشارات قنوس

تهران، خیابان انقلاب، خیابان شهدای زاندارمری

شماره ۱۰۷، تلفن ۴۰۸۶۴۰۶۶

* * *

مری بويس

زردشتيان

باورها و آداب دينی آنها

ترجمه عسکر بهرامی

چاپ دهم

۲۲۰۰ نسخه

۱۳۸۸

چاپ شمشاد

حق چاپ محفوظ است

شابک: ۲ - ۳۲۹ - ۳۱۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸

ISBN: 978 - 964 - 311 - 329 - 2

info@qanoos.ir

www.qanoos.ir

Printed in Iran

۵۵۰۰ تومان

یادداشت بر ویراست جدید

ترجمه حاضر به دلایلی چند، مورد استقبال قرار گرفت. چندان که طی سه سال (دقیقاً از بهار ۱۳۸۱ تا بهار ۱۳۸۴) پنج چاپ آن به پایان رسید. طی این مدت، کتاب جز چند یادداشت معرفی، از نقد صاحب‌نظران بهره‌ای نیافت؛ با این همه مترجم از یادآوری‌های شفاهی برخی دوستان به وجود اشکالاتی در ترجمه و لزوم ویرایش آن پی برد.

دوست و استاد ارجمند دکتر بابک عالیخانی، که پیش‌تر بخش‌هایی از اثر را ویرایش کرده بودند، به رغم گرفتاری‌ها خواهش مترجم و ناشر را پذیرفتند و کل کتاب را عالمانه و با دقتی بی‌نظیر ویرایش کردند. دوست عزیز، ارسلان فصیحی هم یک بار دیگر ترجمه را خواندند و دز روان و یکدست کردن متن کوشش بسیار به خرج دادند. و این همه توفیق نصیب مترجم نمی‌شد مگر با لطف ناشر محترم جناب آقای امیر حسین زادگان. اظهار سپاس به همه این بزرگواران کوچک‌ترین تکلیفی است که مترجم خود را به انجام آن موظف می‌داند.

گفتنی است که تقریباً دو سال پس از انتشار کتاب، مترجم، به لطف استاد ارجمند، جناب آقای دکتر فریدون وهمن، به نشانی پستی خانم پرفسور بویس دست یافت و با ارسال نسخه‌ای از کتاب نظر نویسنده را در باره ترجمه جويا شد؛ با این همه تاکنون پاسخی دریافت نکرده و همچنان در انتظار نظرات اصلاحی ایشان است.

مترجم از فرصت پیش آمده برای رفع کاستی‌های کتابنامه و به روز کردن آن نیز بهره جسته است.

بهار ۱۳۸۴

ع-ب

فهرست

۱۳	در باره نویسنده و ترجمه این کتاب.....
۱۷	دیباچه بر چاپ جدید.....
۲۱	دیباچه
۲۳	۱. زمینه
۲۳	پیشگفتار.....
۲۴	هندوایرانیان
۲۵	دین دیرینه
۲۵	رسوم عبادی.....
۲۹	ایزدان
۳۶	مرگ و آخرت.....
۳۹	فرجام سخن.....
۴۱	۲. زردشت و آموزه‌هایش
۴۱	پیشگفتار.....
۴۲	زردشت و رسالتش.....
۴۳	اهوره مزدا و همیستار او.....
۴۵	هفت امشاسپند و آفریدگان هفتگانه
۴۹	آفرینش و سه دوران.....
۵۱	مرگ و آخرت.....

۵۵	۳. استقرار مزدپرستی
۵۵	پیشگفتار
۵۶	نشان زردشتی
۵۷	اوقات و آداب نماز
۵۸	جشن‌های هفتگانه
۵۹	دیرینه‌ترین ذکرها
۶۰	اعتقادنامه زردشتی (فرزورانه)
۶۲	نیایش سرایی و ینگه‌ها نام
۶۳	اشم و هو
۶۴	سروده‌ها
۶۵	۴. سده‌های نانوشته
۶۵	روزگاران نخست
۶۶	تحول آموزه‌ها
۶۸	باور به وجود منجی جهان
۶۹	گسترش احکام تطهیر
۷۲	روحانیان و پرستش
۷۳	فرجام سخن
۷۵	۵. دوره هخامنشی
۷۵	مادها، پارس‌ها و زردشت
۷۷	نخستین شاهان
۷۷	کوروش
۸۰	کمبوجیه
۸۱	داریوش کبیر
۸۳	خشیارشا
۸۴	کاخ‌ها و آرامگاه‌های شاهان هخامنشی
۸۷	آتش‌ها و آتشدان‌ها

- ۸۸ آفریدگان ایزدی
 ۹۰ شمایل‌ها و پرستشگاه‌ها
 ۹۳ روحانیت
 ۹۵ بدعت زروانی
 ۹۸ گاهشماری زردشتی
 ۱۰۲ سه منجی جهان
 ۱۰۳ آداب دینی
 ۱۰۴ گسترش آموزه‌های زردشت

 ۱۰۷ عر دوره سلوکی و اشکانی
 ۱۰۷ اسکندر و ایران
 ۱۰۸ سلوکیان و ایران
 ۱۰۹ برآمدن پارتیان
 ۱۱۲ مرزهای ایران شرقی: کوشانیان
 ۱۱۳ مرزهای ایران غربی: ارمنستان
 ۱۱۴ آتشکده‌ها و شمایل‌خانه
 ۱۲۰ آیین‌های تشییع و تدفین
 ۱۲۲ تحولاتی در گاهشماری و گاهنگاری
 ۱۲۳ اوستا
 ۱۲۵ تحول در سنت نگارش
 ۱۲۷ مسائل بشری
 ۱۲۷ خوئتودته
 ۱۲۷ سازمان روحانیت
 ۱۲۸ کافران
 ۱۳۰ فرجام سخن

 ۱۳۱ ۷. اوایل دوره ساسانی
 ۱۳۱ برآمدن ساسانیان

- ۱۳۲ تنس، مُبلغ دین.
- ۱۳۳ دگرگونی در گاهشماری
- ۱۳۶ شمایل شکنی و آتش‌های مقدس
- ۱۳۹ برآمدن کردیر، دومین روحانی بزرگ
- ۱۴۱ مانی پیامبر
- ۱۴۲ کیش زروانی در اوایل دوره ساسانی
- ۱۴۳ آموزش و نگارش
- ۱۴۴ اوج قدرت کردیر
- ۱۴۷ بدل شدن فارسی میانه به زبان رسمی ایران.
- ۱۴۷ فرجام سخن.
۸. اواسط دوره ساسانی
- ۱۴۹ حمایت از راست‌کیشی زروانی.
- ۱۵۴ سه آتش بزرگ مقدس
- ۱۵۶ اصلاحات در شعائر دینی
- ۱۵۷ ادبیات دینی و تبلیغات سلطنتی
- ۱۵۹ اصلاح گاهشماری
- ۱۶۱ جنبش مزدکی
۹. اواخر دوره ساسانی
- ۱۶۲ انوشیروان دادگر
- ۱۶۵ اوستای مکتوب
- ۱۶۷ ادبیات پهلوی
- ۱۶۹ مراسم دینی
- ۱۷۲ واپسین سال‌های ایران زردشتی
- ۱۷۴ فرجام سخن
۱۰. دوره خلفا
- ۱۷۷ فتح ایران به دست سپاه عرب

- انگیزه‌ها و موانع نوکیشی ۱۷۹
- نضح اسلام در ایران ۱۸۲
- زردشتیان ایران در سده نهم میلادی ۱۸۴
- زردشتیان ایرانی در سده دهم میلادی ۱۸۸
- یورش ترکان و مغولان به ایران ۱۹۳
۱۱. دوره ایلخانان، راجه‌ها و سلاطین ۱۹۵
- بقای دین زردشتی ۱۹۵
- نسخه برداری و حفظ دست‌نوشته‌ها ۱۹۷
- برآمدن موبدان مؤسس پارسی ۱۹۸
- پارسیان در سده‌های دوازدهم تا چهاردهم میلادی ۲۰۰
- پارسیان در سده پانزدهم میلادی ۲۰۴
- زردشتیان ایرانی در سده شانزدهم میلادی ۲۰۸
- پارسیان در سده شانزدهم میلادی ۲۰۸
۱۲. دوره صفویه و مغولان هند ۲۱۱
- زردشتیان ایرانی در روزگار شاه عباس: باورها و آداب آن‌ها ۲۱۱
- پارسیان در سده‌های شانزدهم و هفدهم میلادی ۲۱۶
- منازعات دینی پارسیان در سده هجدهم میلادی ۲۲۲
- زردشتیان ایرانی در سده هجدهم میلادی ۲۲۵
- پنجایت پارسی بمبئی ۲۲۶
- مطالعات اروپاییان در باره باورهای زردشتی، در سده هجدهم میلادی ۲۲۸
۱۳. دوره قاجار و بریتانیا ۲۳۱
- مبلغان مسیحی و باورهای پارسیان ۲۳۱
- اصلاحات دینی پارسی ۲۳۴
- نظر هاگ و وست در باره باورهای زردشتی ۲۳۷
- تئوسفی و پارسیان ۲۳۹

- ۲۴۰ علم خشنوم: دانش رمزی زردشتی.
- ۲۴۱ پارسیان و چاپ
- ۲۴۲ آداب دینی پارسیان
- ۲۴۵ زردشتیان ایرانی در سده نوزدهم میلادی
- ۲۴۸ گاهشماری پارسیان و اصلاحات دینی در اوایل سده بیستم میلادی
- ۲۵۱ ۱۴. سده بیستم میلادی
- ۲۵۱ پارسیان شهرنشین
- ۲۵۳ زردشتیان در ایران امروز
- ۲۵۸ پارسیان در هند و پاکستان پس از استقلال
- ۲۵۹ تفسیرهای متأخر از باورهای زردشتی
- ۲۶۱ پراکندگی زردشتیان در جهان
- ۲۶۵ کتاب‌شناسی
- ۲۷۷ نمایه

در باره نویسنده و ترجمه این کتاب

مری بویس در دوم اوت ۱۹۲۰ در دارجیلینگ هند دیده به جهان گشود. پدرش کارمند دولت انگلستان در هند بود. مری تحصیلات دبیرستان خود را در انگلستان به پایان برد، سپس وارد کالج نیونهام کمبریج شد و در آنجا همزمان در مقطع کارشناسی دو رشته، یکی زبان انگلیسی و دیگری باستان‌شناسی و مردم‌شناسی، به تحصیل پرداخت و هر دو رشته را با نمره اول و به فاصله یک سال، یعنی در سال‌های ۱۹۴۲ و ۱۹۴۳ به پایان رساند. در رشته باستان‌شناسی و مردم‌شناسی، بویس از محضر پرفسور هکتور مونرو چدویک (که کتاب حاضر نیز به او تقدیم شده است) بهره بسیار برد. مدتی بعد، بویس با پرفسور ولادیمیر مینورسکی، ایران‌شناس مشهور، آشنا شد و نزد وی به آموختن زبان فارسی پرداخت.

بویس در سال ۱۹۴۴ مربی بخش ادبیات انگلوساکسن و نیز باستان‌شناسی کالج رویال هالووی دانشگاه لندن شد و همزمان نیز تحت نظر پرفسور والتر برونو هنینگ، استاد مشهور مطالعات ایرانی، تحصیل در این رشته را آغاز کرد، زبان فارسی باستان و دیگر زبان‌های ایرانی باستان و میانه را آموخت و در سال ۱۹۴۵ موفق به اخذ درجه کارشناسی ارشد شد. وی یک سال بعد زیر نظر هنینگ و پرفسور هرولد والتر بیلی، تحصیل در مقطع دکترا را آغاز کرد و در سال ۱۹۴۷ نیز به مقام استادیاری کرسی نویناد مطالعات ایرانی در مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن رسید.

به پیشنهاد هنینگ، مری بویس کار بر روی متون مانوی را برای رساله دکتری خود برگزید که در سال ۱۹۵۲ توانست با موفقیت از آن دفاع کند. این رساله بعداً در سال ۱۹۷۷ با عنوان سرودهای پارتی مانوی به چاپ رسید. وی سپس، بار دیگر به پیشنهاد هنینگ، فهرست نوشته‌های ایرانی به خط مانوی در مجموعه ترفانی آلمان را نیز تهیه کرد که در سال ۱۹۶۰ منتشر شد. بویس در ۱۹۵۸ به مقام دانشیاری مطالعات ایرانی رسید و در سال ۱۹۶۳ نیز درجه استادی گرفت و پس از درگذشت هنینگ، رئیس این بخش شد.

بویس از سال ۱۹۵۵ تا ۱۹۷۰ در مقام منشی و خزانه‌دار بخش دست‌نوشته‌های ایرانی بود که ریاست آن را هنینگ برعهده داشت. وی مدت‌ها عضو شورای انجمن سلطنتی آسیایی و عضو شورای سردبیری مجله *Asia Major* بود؛ در سال ۱۹۷۵ عضو افتخاری انجمن خاورشناسان امریکا شد و در سال ۱۹۷۸ نیز به عنوان عضو خارجی، به عضویت فرهنگستان علوم و ادبیات دانمارک رسید.

وی اگرچه بسیاری از سالیان عمر خود را بر روی متون ایران باستان و به ویژه متون مانوی گذرانده، ولی مطالعات و پژوهش‌های بی‌نظیری هم بر روی آداب و عقاید زردشتیان انجام داده است. بویس از رهگذر مطالعه متون دینی زردشتی این اعتقاد را یافت که به تصریح این متون، زردشت موبد بوده و بر اجرای درست اعمال دینی تأکید داشته است. بر این اساس بویس همین اعمال دینی را عامل دوام کیش زردشتی می‌داند و بدین ترتیب در جبهه مقابل دانشمندانی قرار می‌گیرد که همواره کوشیده‌اند با پررنگ ساختن ابعاد اخلاقی و فلسفی آموزه‌های زردشت، این ویژگی‌ها را عوامل پایداری این دین معرفی کنند. بویس بر پایه همین اعتقاد و باور به این نکته که آداب و باورهای دینی زردشتیان ایران، به ویژه ساکنان شهرستان‌ها و روستاهای دوردست، اصیل‌تر از آداب و باورهای پارسیان هند است، با داشتن شرایط جسمانی نامساعد، رنج سفری دشوار به ایران را به جان خرید و راهی ایران شد تا از نزدیک در مورد فرهنگ زردشتی مطالعه و پژوهش کند.

وی پس از بازگشت به انگلستان چند سال بر روی یافته‌هایش کار کرد و سرانجام نتایج کار خود را طی سخنرانی‌هایی در آکسفورد ارائه کرد و در سال ۱۹۷۷ نیز آن‌ها را در کتابی با عنوان *دژ پارسی کیش زردشتی منتشر ساخت*. در همین سال، بویس، نخستین جلد اثر عظیم خود را منتشر کرد. این اثر تاریخ کیش زردشت نام دارد که تاکنون سه جلد آن (ج ۱: روزگاران نخست، ج ۲: هخامنشیان، ج ۳: روزگار مقدونیان و رومیان با همکاری فرانتس گرنه) منتشر شده است و قرار است تاریخ پیوسته این کیش تا دوره‌های بعد را در برگیرد. بویس در سال ۱۹۷۹ برای مجموعه موسوم به «کتابخانه باورها و آداب دینی» زیر نظر جان هینلز و نینیان اسمارت، کتاب حاضر را نوشت.

وی علاوه بر این‌ها چند کتاب و ده‌ها مقاله دیگر نوشته است که عمدتاً در باره آیین‌های ایران باستان، متون مانوی، ادبیات شفاهی ایران و به ویژه جنبه‌های مختلف کیش زردشتی هستند. مری بویس هم‌اکنون در لندن سخت سرگرم نگارش ادامه تاریخ کیش زردشت است و همچنان مقالاتی، به ویژه برای دانشنامه ایرانیکا می‌نویسد.

کتاب حاضر که به عنوان کتاب درسی برای دانشجویان رشته ادیان فراهم آمده است، همچنان که اشاره شد، نخستین بار در سال ۱۹۷۹ به چاپ رسید. بویس برای چاپ دوم کتاب که به سال ۱۹۸۳ منتشر شد، در برخی مطالب آن بازنگری کرد. متن بازنگری و به روز شده، طی سال‌های بعد چند بار دیگر چاپ شده که آخرین آن‌ها در سال ۲۰۰۱ بود. بویس برای این چاپ هم اگرچه مجال نیافت نظرات تازه و نویافته‌هایش را در متن وارد کند، ولی دیباچه‌ای نوشت که طی آن برخی دیدگاه‌هایش را تصحیح کرد.

ترجمه حاضر بر اساس چاپ بازنگری شده سال ۱۹۸۳ صورت گرفت. مترجم پس از پایان کار به چاپ ۲۰۰۱ دسترسی یافت، و بنابراین دیباچه آن را هم ترجمه کرد و به کتاب افزود و علاوه بر آن، برای عطف توجه خواننده به نکات بازنگری شده در دیباچه، در جاهای مورد نظر متن به دیباچه ارجاع داده است.

نویسنده در نگارش کتاب از آثار متعددی به زبان‌های اروپایی، فارسی و عربی بهره جسته که فهرست آن‌ها را در پایان کتاب آورده است. مترجم نیز در برگردان متن از اصل کتاب‌های فارسی و ترجمه‌های موجود از کتاب‌های اروپایی و عربی استفاده کرده است، از این رو هم به عنوان ادای دین و هم برای تکمیل کتاب‌شناسی پایان کتاب، مشخصات این آثار را هم در کتاب‌شناسی آورده است. و از سوی دیگر کوشیده است با افزودن برخی منابع منتشره در سال‌های اخیر، این مجموعه را کامل‌تر سازد.

در ترجمه اثر نیز مترجم کوشیده است علاوه بر انتقال مفاهیم در قالب متنی حتی‌الامکان روان و متعارف، ویژگی‌های نثر نویسنده، به خصوص در ضبط نام‌ها، و امانتداری لازم را هم از نظر دور ندارد. مترجم در تلاش برای رسیدن به این اهداف بسیار وامدار استاد و دوست گرامی دکتر بابک عالیخانی است که چه در گشودن گره‌های کار ترجمه و چه در ویرایش بخش‌هایی از متن، یاری دریغ بوده است. با این حال کاستی‌های کار همچنان از مترجم است که شایستگی بهره‌جستن از آن همه رهنمود را نیافته است.

عسکر بهرامی

دیباچه بر چاپ جدید

از زمان انتشار این کتاب در سال ۱۹۷۹ پیشرفت چشمگیری در مطالعهٔ دین زردشتی پدید آمده است، و اگرچه برخی تصحیحات در تجدید چاپ آن کتاب در سال ۱۹۸۳، در متن اعمال شد، ولی اینک شایسته به نظر می‌رسد تحولات عمده‌ای را خاطر نشان سازیم که طی مطالعهٔ فصل‌های نخست می‌باید به آن‌ها توجه داشت.

در تاریخ تقریبی که در ابتدا برای زردشت تصور کرده بودم، یعنی تاریخ ۱۷۰۰ پ.م. تعدیل روا داشته‌ام، از جمله بدین علت که آغاز تدوین سروده‌های ریگ‌ودا را اینک به حدود ۱۵۰۰ پ.م. نسبت می‌دهند و زبان اوستایی متقدم که پیامبر بدان سخن می‌گفت، به ودایی بسیار نزدیک است. با این حال ممکن است که این زبان با تانی بیش‌تری تحول یافته باشد، چون قوم وی نسبت به عموزادگان آریایی‌شان ثابت قدم‌تر و محافظه‌کارتر بوده‌اند؛ و محاسبات مبتنی بر زبان و محتویات متون «اوستایی متقدم» و «اوستایی متأخر»، برای اولی تاریخی در حدود ۱۲۰۰ پ.م. و برای دومی تاریخی را که متأخرتر از ۸۰۰ پ.م. نیست به دست می‌دهد. با این حال باستان‌شناسان با یافته‌هایشان به این نتیجه رسیده‌اند که مهاجرت‌های اصلی ایرانیان را به درون سرزمینی که زان پس به نام ایشان ایران نام گرفت، حدود ۱۰۰۰ پ.م. بدانند، به طوری که نسبت دادن زردشت به ۱۲۰۰ پ.م. باز هم بدین معناست که وی پیش از مهاجرت آنان و بنابراین در جایی واقع در استپ‌های آسیای میانه می‌زیست. نقاطی در قزاقستان شمالی کاوش شده‌اند که تصور می‌رود به ایرانیان باستان آن روزگار تعلق داشته‌اند. ساکنان این نقاط شبانکارگانی یکجانشین بودند که بیش‌تر از فرهنگ عصر سنگ برخوردار بوده‌اند، ولی تا اندازه‌ای از مفرغ نیز استفاده می‌کرده‌اند.

ویرایش تازه‌ای از پسِ هفت‌ها (ستایش هفت فصل) به پیدایش تحول بسیار مهمی در مطالعات زردشتی منجر شده است، بدین معنا که این نیایش مختصر را (که به همراه گاهان و

دو مانثره کوتاه مقدس، کل مجموعه متون اوستایی متقدم را تشکیل می‌دهد) به خود زردشت نسبت می‌دهند. این کشف، ارزش بی‌اندازه دارد، چه نه فقط آن را اساساً به گنجینه کلام خود پیامبر می‌افزاید، بلکه چون این نیایش تقریباً به تمامی منشور است و برای عبادت دسته‌جمعی در نظر گرفته شده، بنابراین فهم آن آسان‌تر از گاهان است. این متن باستانی هنوز هم ابهاماتی دارد، ولی برخی نکات مهم آن بالبداهه روشن است، به ویژه این که تعبیر «امشاسپندان» را که متعلق به الهیات زردشتی است، خود زردشت به کار برده (و تقریباً به یقین، خود او هم آن را ابداع کرده) است. به طور کلی این نیایش، حتی روشن‌تر از گاهان، نشان می‌دهد که پیامبر در تکمیل آموزه‌های بسیار بنیادین و مؤثر خویش، از باورهای دینی کهن قوم خود برداشت کرده است؛ به استناد آن، هرچه پیش‌تر ملزم خواهیم بود نظریه آکادمیک دیرین را (که در این کتاب هم اندکی بدان پرداخته‌ایم) مشعر به این که هندوایرانیان مفاهیم انتزاعی تشخیص یافته را می‌ستوده‌اند، به کنار نهیم. آشکار است که این موضوع، اشتباهی تاریخی (anachronistic) است و چیزهایی که آنان در حقیقت حرمت می‌نهادند نیروهای نادیدنی (اوستایی: *mainyu*، سنسکریت: *manyu*) بوده است که ایشان در همه چیز، جاندار یا بی‌جان درک می‌کرده‌اند و بعضی از آن‌ها سخت نیرومند انگاشته می‌شده‌اند.

گواه دیگری از یسن هفت‌ها مؤید واقعیتی است که از گاهان برداشت می‌شود و آن، این که ساختار جامعه اوستایی متقدم، ساده بوده و فقط یک گروه موظف متمایز داشته است، یعنی گروه روحانیان. به دیگر اعضای این جامعه به طور کلی صرفاً به عنوان مردان و زنان اشاره می‌شد و ظاهراً مردان در صورت لزوم در نقش‌های مختلفی چون شبان، شکارچی و جنگجو ظاهر می‌شده‌اند، ولی به نظر می‌رسد که زندگی آنان اساساً صلح‌آمیز و قانونمند بوده است. با این حال در روزگار زردشت، همچنان که سخنان خود وی نشان می‌دهند، اعمال چپاولگران و لگردد، زندگی آنان را تهدید می‌کرده است. هنگامی که پنداشته می‌شد زردشت در خود سرزمین ایران می‌زیسته است (بر اساس الگوی تاریخ ادوار بعدی) گمان می‌کردند اینان عشایری صحراگرد بوده‌اند که به مرزهای این سرزمین می‌تاخته‌اند. ولی اینکه نه تنها پیامبر را ساکن استپ‌ها می‌دانند، بلکه باستان‌شناسان ثابت هم کرده‌اند که صحراگردی (که موکول به استفاده از اسب است) در این منطقه تا حدود ۹۰۰ پ.م. آغاز نشده بوده است. بنابراین برای پیدایش این دسته‌های راهزن قانون‌گریز باید توضیح دیگری جست و یکی که از همه محتمل‌تر است (و در تاریخ ادوار بعدی استپ‌ها هم بازتاب داشته)

این که این دسته‌ها متشکل از مردانی بودند که از مزدوری در سرزمین‌های جنوبی‌تر بازمی‌گشتند و از این طریق، سلاح‌های برتر و مهارت‌های جنگی تازه به دست آورده بودند و ماجراجویی و کسب منافع آتی با شمشیر را بر زندگی آرام‌گله‌داری، به مذاق خود خوش‌تر می‌یافتند. این‌ها را عناصر متشکله «عصر پهلوانی» برمی‌شمارند، با وجود این در متون اوستایی متقدم، تصویر منحصر به فرد دیگری هم هست که چنان عصری را نه از دیدگاه قهرمانان و شاعران آنان، بلکه از دیدگاه مردمانی آرام و درستکار نشان می‌دهد که از غارتگری‌های آنان رنج می‌دیدند. روزگاران آشوب‌زده این چینی را موجب پیدایش ادیان رهایی‌بخش، همراه با امید به صلح و عدالت واگذار شده از این جهان به جهان دیگر دانسته‌اند؛ و کیش زردشتی در حقیقت قدیم‌ترین این گونه ادیان و پیش‌نمونه بسیاری از آن‌ها بوده است.

فروپاشی نظم اجتماعی در آن استپ‌ها شاید یکی از عوامل اصلی مهاجرت‌های گروهی ایرانیان بود که این مهاجرت‌ها تغییرات بنیادینی هم برای آنان به وجود آورد. متون اوستایی متأخر تصویر جامعه‌ای تازه را با سه طبقه اجتماعی روحانیان، بزرگان جنگجو (که شاه هم جزو آنان بود) و دهقانان به دست می‌دهند. این تقسیم‌بندی اجتماعی (که در شرایطی مشابه، نزد هندوان هم پدیدار شد) به غلط (در کتاب حاضر و نیز نزد عموم محققان) به قوم اوستایی متقدم هم نسبت داده شده است؛ و بدین ترتیب تصور می‌رفت که نزد آنان نماینده زمینی اهوره مزدا (سرور دانایی)، احتمالاً به عنوان فرمانروا تصور می‌شده است؛ ولی به نظر می‌رسد در جامعه سنتی استپ‌ها چنین تصویری ناشناخته بوده است. (جایگاه دقیق کی وشتاسپ همچنان نامشخص است.) با این حال محتمل‌تر می‌نماید که روحانی بزرگ قوم این نقش را برعهده داشته، چرا که روحانیان پاسداران دانایی بودند، و یک روحانی دانا احتمالاً در انجمن‌های بزرگان جامعه سخنش حجت بوده است.

موضوع دیگر مورد بحث در این کتاب که نیاز به بازنگری دارد، موضوع گاهشماری زردشتی است. نویسنده اینک تصور می‌کند که شواهد دال است بر وجود نوعی گاهشماری اوستایی متأخر با دوازده ماه سی روزه و اختصاص هر روز به یکی از ایزدان، و این که اعمال هر از گاهی کیسه ماه سیزدهم، این گاهشماری را با فصول سال، مطابق نگاه می‌داشته است. نویسنده این سطور می‌پذیرد که در دوره هخامنشیان گاهشماری ۳۶۵ روزه‌ای با پنج روز اضافی در پایان سال، یعنی درست پیش از نوروز، باب شد؛ و هر یک از این دوازده ماه هم که اینک، بدون حضور یک ماه سیزدهم بی‌قاعده، به خوبی تثبیت شده بود، به یکی از

ایزدان اختصاص یافت. وی همچنین می‌انگارد که تنها یک اصلاح در گاهشماری ساسانی، در حدود ۵۰۰ م، صورت گرفت که به موجب آن، نوروز از اول فروردین به اول آذر منتقل شد. این اصلاح هم برای آن بود که نوروز به اعتدال بهاری بازگردانده شود، زیرا نوروز به سبب اختلاف گاهشماری ۳۶۵ روزه با سال طبیعی، به تدریج عقب نشسته بود.

دو نکته نسبتاً مهم دیگر هم هست که باید بازنگری شوند. یکی مربوط به این داستان است که زردشت به قتل رسیده است، که معلوم شده این داستان روایتی است که از روی حسن نیت ساخته شده است؛ دیگری در مورد تصویر درون قرص بالدار است که چون زردشتیان آن را به منزله یکی از نمادهای دینی خود اختیار کرده‌اند، اهمیت یافته است. امروزه زردشتیان (همچنان که گفته می‌شود) آن را بازنمایی قَرَوَشی می‌دانند. این عقیده که نقش یادشده بازنمایی اهوره مزداست، اینک میان دانشمندان جایی ندارد و آن را عموماً تصویر خُوَرَنَه می‌دانند.

نویسنده این سطور در اثر دیگرش (*Zoroastrianism, its antiquity and constant vigour, Columbia Lectures on Iranian Studies 7, Costa Mesa and New York, 1992*)^۱ همراه با ارجاعات و کتاب‌شناسی تا آن تاریخ، قدری مفصل به موضوعات مطروحه بالا پرداخته است.

مری بویس

مه ۲۰۰۰

۱. این کتاب به فارسی ترجمه شده است:

— بویس، مری، چکیده تاریخ کیش زرتشت، ترجمه همایون صنعتی‌زاده، تهران ۱۳۷۷ ش.